نگاهی به آئین مناجات خوانی در حرم مطهر رضوی

آواز برفراز گلدسته‌های خراسان

هوشنگ جاوید*

مناجات چه در ادب و چه در موسیقی، سَبک به شمار نمی‌آید، بلکه موضوع، ژانر، یا گونه‌ای است با کارکردهای گوناگونِ شناختی، عقیدتی و اجتماعی که در ارائه، همواره از هنرها و اقمار آن بهره می‌برد؛ به‌ویژه در موسیقی که از «هنرهای آوازی» به بهترین شکل، استفاده می‌کند.

مناجات در دسته ادب آموزشی جای دارد، چرا که گونه‌ای ارشاد و تبلیغ غیرمستقیم مفاهیم اخلاقی و دینی‌مذهبی در آن دیده می‌شود و چون چارچوبِ اصلیِ هنرِ خوانندگان مردمی، ادب آموزشی(تعلیمی) بوده و هست، به همین سبب مناجات‌خوانی از وظایف اصلی آنان به شمار آمده است.

مناجات، رابطه‌ای دوسویه بین انسان به‌عنوان «مخلوق»، با خداوند به عنوان «خالق» است. هنگامی که کسی در مقام مناجات‌خوانی برمی‌آید، گونه‌ای بیان شناخت خود و شناخت خداوند از سوی انسان آغاز می‌شود که در عالی‌ترین درجه این شناخت و بیان، پیامبران و امامان (علیهم السلام) قرار می‌گیرند.

مناجات راهی است برای بیان نیازهای مادی و معنوی یا درونی، به شکلی آزاد و بی‌پرده، با خالق. در این راه و رابطه، انسان بیشتر از جنبه ضعف و عجز بشری وارد می‌شود؛ چرا که انسان کمال‌گراست و به دنبال کمال مطلق بوده و هست؛ افزون بر اینکه حدّ و حدود خودش را هم می‌شناسد.

هرم ارتباطی مناجات شامل چهار وجه است:

* پژوهشگر موسیقی آیینی

Archive of SID

www.SID.ir

خود با خویشتن
خود با خدا
خود با جهان هستی
خود با هم‌نوع

اما گاهی وجهی دیگر در این ارتباط افزوده می‌شود و آن وجه سیاسی است که مناجات را در حجاب پند و حکمت قرار داده و به جامعه سرایت می‌دهد. شاخص‌ترین این گونه، مناجات‌های امام سجاد(علیه السلام) است که بهترین درس سیاسی و ستیز اجتماعی را با کوبنده‌ترین کلمات، در چارچوب مناجات و دعا به گوش مردم می‌رساند.

از دیگر آثار برجسته مناجات‌خوانی، آموزش و پرورش روح و پالایش درونی آدمی است و از مهم‌ترین بهره‌هایش، شناساندن ذات احدیت. با چنین نگرشی، کار مناجات‌خوان یا نیایشگر، سخت می‌شود؛ چرا که باید مخاطب را برای بیان ساده و راحت دردها و رنج‌های درونی‌اش آماده کند تا او با آن بیان، سبک‌بار شود و روحش آرامش بگیرد و آسودگی خاطر بیابد.

هم راء و باء و نون را، کرده است مقرون الف
در بازدم اندر دهن، تا خوش بگویی: رَبَّنا

پس از اسلام در ایران، ادب مناجات‌سرایی در دو شاخه نثر و نظم ادامه یافته، گسترش و تکامل می‌یابد. بدین‌سان که با بهره از علم بدیع، هم از آرایه‌های لفظی و هم از آرایه‌های معنوی استفاده می‌شود. اما یکی از شاخص‌ترین شگفتی‌ها در مناجات‌سرایی خراسان، چندزبانی و چندگویشی شدن آن است که در این سامان شکل یافته و افزون بر آن بهره بردن از «سجع» است که در نثر پارسی، حکم قافیه را در شعر بازی می‌کند. مناجات در ادبیات کرمانجی و ترکی و ترکمنی خراسان، دارای جایگاه ویژه و باارزشی است؛ چون گونه‌ای «سجع متوازن» و «سجع مظرف» و «سجع متوازی» در این مناجات‌ها شنیده و دیده می‌شود که جای بررسی دارد. این‌گونه سجع‌ها ردپایشان در آثار عرفانی قرن پنجم دیده می‌شود؛ چونان: مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری و... امروزه نیز نمایان است که هم جعفرقلی زنگلی، شاعر مردمی کرمانج‌های خراسان و هم مخدوم‌قلی فراقی، شاعر ترکمن‌های خراسان از این مهم بهره گرفته‌اند.

در قرن پنجم با پدید آمدن سبک عراقی، در حقیقت مناجات‌سرایی‌ها آغاز شد؛ چرا که این سبک، فضای تازه‌ای را برای سرایش شعر پارسی باز کرد؛ اما در مناجات‌سرایی‌های بومی‌محلی خراسان - به‌ویژه خراسان شمالی - آنچه که دارای اهمیت است، بهره‌گیری از فرهنگ قومی، تکیه بر باورهای نژادی، ورود به مسائل فسلفی، زاهدانه، صوفیانه، اندرز و تبلیغ دین و مذهب و گاه نحله‌های فلسفی در ماهیت و متن مناجات‌هاست؛ چونان تأکید شاعر ترکمن، مخدوم‌قلی فراقی بر «خاکسار» بودنش در پایان غزل‌هایی که به صورت مناجات، حمدیه و یا مناقب و نعت سروده است.

مناجات‌نامه‌ها نقش موثری در دگرگونی ادب پارسی داشتند و کسانی چون خواجه عبدالله انصاری و ابوسعید ابوالخیر، عرفان را با مضامین مناجات آمیختند. در طول زمان، غزل نیز به یکی از جنبه‌های بارز مناجات‌سرایی افزوده شد و حافظ، عطار و مولوی هم به آن پرداختند.

از آنجا که مناجات، تسکین‌دهنده آلام درونی انسان محسوب می‌شود و بیان‌کننده پاک‌ترین احساسات بشری در ناب‌ترین لحظات ارتباطی است، به مرور این سرایش و نظم، با موسیقی مرتبط شده و از این اتحاد تکنیکی‌هنری، گونه‌ای بیان معنوی موسیقایی پدیدار می‌شود که به «مناجات‌خوانی» شهره می‌گردد.

اگر کار مناجات‌سرا، یک سختی داشت و آن هم سرایش متن و رسیدن به آن «لحظه بیان و ارتباط» بود، کار مناجات‌خوان به مراتب سخت‌تر می‌شد و می‌شود؛ چرا که او باید هم آنات مناجات‌سرا را بیابد و با آن ارتباط برقرار کند و هم برای آن ارتباط، زبان و بیان نو و آهنگ ارتباط‌ساز را بیابد و تلفیق کند و بخواند؛ و این به مراتب سخت‌تر است، چون مناجات‌خوان در لحظه، باید دو خطِ ارتباط را در ذهن دنبال کند: «خط ارتباط خود» و «خط ارتباط سراینده»؛ و بعد آن دو خط را به یک راه مشترک اندیشه‌ای برساند: نقش خداوند در اندیشه مخاطبی که او برایشان می‌خواند و «باید» با آن مطلب مورد نظر مناجات‌سرا و مناجات‌خوان، ارتباط برقرار کند. اینکه می‌گوییم «باید» و بر آن تأکید داریم، بدان سبب است که مناجات‌خوان هنگامی که برای جمع می‌خواند، هدفش اثرگذاری بر جمع است و ایجاد اندیشه‌ای در ذهن آنان، برای ایجاد لحظه «وحدت اندیشه». اگر غیر از این باشد که مناجات‌خوان می‌تواند برای خودش و در خلوت خانه به این ارتباط بپردازد. هدف از ایجاد و گسترش «مناجات‌خوانی»، ضرورت فرهنگ‌سازی و انتقال سجایای برین یک قوم و ملت به نسل‌های بعد است؛ پس واژه «باید» ضرورت اجتناب‌ناپذیر مسئله گردد و مناجات‌خوان نیز باید ارتباط دقیق و درستی با مطلبی که از سوی مناجات‌سرا ادا می‌شود، برقرار کند.

در این میان، تعصبات قومی و نژادی و منطقه‌ای در ارائه، کنار گذاشته می‌شود و آنچه که مد نظر است، خدا و ایمان و یقین افراد مخاطب است که هدفِ «حدیث اندیشه» ایجادی از سوی اجراکننده قرار می‌گیرند. یکی از دلایلی که در جامعه قدیم خراسان، «مناجات‌خوان‌ها» مورد احترام بودند، همین قدرت «ایجاد وحدت اندیشه» در ذهن افراد جامعه بود؛ چرا که مردم می‌دانستند مناجات‌خوان‌ها بر این رسم‌اند که:

تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود
سر ما خاک ره پیر مغان خواهد بود

Archive of SID

www.SID.ir

همین سبب می‌شود تا به هنر «مناجات‌خوانی» نگاه ژرف‌تری داشته باشیم و از کنار متن و درون‌مایه‌های آن ساده‌انگارانه نگذریم؛ چون این هنر فقط بر جنبه‌های آوازی موسیقایی تأثیر نگذاشت، بلکه پس از دوران مغول وارد هنر موسیقی تلفیقی هم شد و نوازندگان خواننده را هم در برگرفت. در خراسان به کار بخشی‌ها و اُستا(استادها) آمد و در شمال غرب کشور وارد کار «عاشیق‌ها» شد. در مناطق زاگرس‌نشین ایران نیز با همراهی نوای تنبور یا ضرباهنگ دف و تاس، به مناجات‌خوانی روی آوردند و همچنان بر این سیاق، به کار خود ادامه می‌دهند.

اما چرا مناجات‌خوانی وارد موسیقی بومی ما شد؟ پیش از این، بیشتر در سحرگاهان، راز و نیاز با خداوند از زبان خوش‌صدایانِ شعرخوان شنیده می‌شد؛ اما با به‌راه‌افتادن این موج جدید(به‌کارگیری مناجات به همراه ادوات موسیقی مانند دوتار، تنبور، نی و دف)، مناجات‌خوانی در ایران از انحصار سحرگاهان بیرون آمد و به سایر اوقات روزانه زندگی ایرانیان نیز کشیده شد. چه در بزم‌ها و چه در مجالس دوستی و چه در مجالس ساده خانوادگی هم ارائه موضوع راز و نیاز با خداوند راه یافت و متداول شد. با این کار در حقیقت، بخشی‌ها و عاشیق‌ها و اهل عرفان که به عنوان یک رسانه عمومی در زمان خود به اشاعه فرهنگ می‌پرداختند، به خداجویی و تشویق مردم به ارتباط جستن با خداوند حتی در شادترین اوقات خصوصی هم پرداختند. چون آنان با آموزش‌هایی که می‌دیدند، به این حقیقت رسیده بودند که عاشقانه‌ترین راه ارتباط با خداوند، زبان نیایش است و این خداوند است که زخمه‌های محبت خود را بر تارهای دل و جان آنان می‌زند و آنان نمودی از آن زخمه را بر تن تارهای سازشان می‌نشانند؛ چرا که اگر خواست خداوند نبود، چه کسی را یارای زبان گشودن به ستایش بود یا نواختن بر تار و پودهای ساز؟»

این طلب در ما، هم از ایجاد توست
رستن از «بیداد»، یا رب، «دادِ توست»
بی‌طلب، تو، این طلبمان داده‌ای
بی‌شمار و حّد، عطاها داده‌ای

از همین رو کار موسیقی ورزانی که «مناجات‌خوانی» هم می‌کردند سخت شد؛ چرا که آنان روی احساس احتیاج و نیاز مخاطبشان انگشت گذارده بودند و گاه با خواندن مناجات، چنان آتش اشتیاق را در دل مخاطبان می‌افروختند که خاموش‌شدنی نبود؛ آن هم در اوج مجلس شادی مخاطبی که چه بسا در پناه باده و افیون تا بزم ابلیس هم رفته بود و این موسیقی‌ورز هنرمند بود که در چنین دقایقی پلید، راه مشتاقی و پاکی را به مخاطب نشان می‌داد و گاه آن بخت‌زدگان جاهل، چنان مجذوب متن و کلام هنرمندانه می‌شدند که زندگی‌شان به کلّ زیر و رو و دگرگون می‌شد.

شیرمردی باید این راه شگرف
زان که ره دور است و دریا ژرف، ژرف
روی آن دارد که: حیران می‌رویم
در رهش، گریان و خندان می‌رویم

در فرهنگ مردم ایران، مناجات و هنر مناجات‌خوانی جایگاه ویژه‌ای دارد و همین امر باعث شده تا همواره هنرمندان موسیقی از آن بهره گیرند؛ به‌گونه‌ای که توسل‌جویی به درگاه خداوند در موسیقی ایران - به‌ویژه خراسان - دوبیتی‌های ساده، ترانه‌های کار، متن داستان‌های موسیقایی حماسی و ترانه‌های عروسی را در بر می‌گیرد.

برآمدن شاخه‌های گوناگونی چون «گلدسته‌خوانی»، «شب‌خوانی»، «سحرخوانی»، «مناجات‌نامه‌خوانی» و «ذکرخوانی»، حکایت از تنوع شیوه‌های اجرایی، جایگاه و زمان اجرای آنها دارد و به‌راحتی می‌توان به گوناگونی اشعار و نغمه‌ها نیز پی برد. اهمیت دادن به نغمه‌های موسیقی دینی‌مذهبی در خراسان بدان‌گونه بوده است که برای اجرای اشعار چه به صورت متن بداهه و چه شعر کتابی و نوشته، آداب و ترتیب قایل شده و روش‌های استاندارد تبیین کرده‌اند. وجود رساله «آداب آوازهای گلدسته» در ۱۲۷۵ قمری، نشانگر این حساسیت می‌باشد. این رساله را فردی به نام علیرضا، فرزند حسین، فرزند اسماعیل قاینی بیرجندی نگاشته که به شماره‌های ۴۰۶۹۸ در کتابخانه تهران و ۲۸۳۰/۲ در کتابخانه ملک ثبت و موجود است. این رساله ضمن پرداختن به انواع موسیقی زمان خود، به شاخه‌هایی که در ادامه ذکر خواهد شد، اشاره کرده و ضمن آوردن متن اشعار، دستورهای موسیقایی را نیز آورده است:

آداب آوازهایی که پیغمبران می‌خواندند
آداب مرثیه محتشم که در منبرها خوانند
آداب ذکرها که در پای منابر خوانند
آداب ذکرها که در گلدسته خوانده می‌شود
آداب ذکرهایی که درویشان و صوفیان خوانند

در این رساله درباره اینکه به وقت مناجات سحر، در گلدسته‌ها چه بخوانند و چگونه بخوانند، مطالب فراوانی وجود دارد که هرکدام جای

Archive of SID

www.SID.ir

پژوهش و نگرش دارد؛ چونان ذکر تبلیغی سحر و دعوت از مسلمانان برای بیدار شدن و رو به سوی خدا کردن که متن آن چنین است:

بیا که شد سحر و قدسیان زدند صلوه
که باز شد در رحمت، کجاست دست دعا؟
رسید پیک اجابت ز بارگاه قبول
نشست فیض ازل بر سریر لطف و عطا
صدای یا رب و یا هو ز هر طرف برخاست
برآمد دست مناجاتیان به ذکر خدا
تو هم به کام دل خویش ناله‌ای سرکن
در آن زمان که بود همنشین ابر، دعا

دستوری که برای اجرای آوازی این شعر نوشته شده، درآمد - شهناز است که نشان می‌دهد کاملاً روانشناسانه با مسئله بیدارسازی مردم برخورد شده است؛ چون شهناز دارای شکوهِ آرامش و سنگینی ویژه‌ای در موسیقی ایران است. آنچه که این شعر در این سند به ما می‌گوید، این است که در سیصد سال پیش در خراسان به هنگام سحر، گلدسته‌خوانان مناجات‌کننده، درس‌های «پیش‌ذکر» می‌خوانده‌اند و بعد مناجات را آغاز می‌کرده‌اند؛ ضمن آنکه به ما می‌گوید، ذکری از اذکار مددخواهی به نام «مدد الاالله» و «یا هو الاالله» نیز در سخنرانی‌ها، همواره خوانده می‌شده است که بیشتر آن را در «نوروز صبا» اجرا می‌کرده‌اند. بنابر شواهد تاریخی می‌دانیم این گوشه را که امروزه در دستگاه همایون قرار دارد، پیش از اسلام نیز گاهان در مراسم دینی و سرودها و نیایش‌های گاهان، به کار می‌برده‌اند. نوروز صبا از لحاظ نتِ شاهد، روی درجه پنجم گام همایون است.

این رساله به ما می‌گوید که آوازهای دینی‌مذهبی ایران تا چه اندازه قدمت تاریخی دارد و به‌عنوان «میراث معنوی» چقدر از آن غافل مانده‌ایم. متن مناجات «یا هو الاالله» این‌گونه است:

هستی کریم بی‌نیاز یا هو الاالله
هستی رحیم کارساز یا هو الاالله
ما را شراب شوق تو یا هو الاالله
سرمست و شیدا ساخته یا هو الاالله
ای خواجه منع ما مکن یا هو الاالله
ساقی به من هم می بده یا هو الاالله
صانع حکیم لم‌یزل یا هو الاالله
دارو برای هر کسی یا هو الاالله
الا برای عاشقان یا هو الاالله
معجون سودا ساخته موجود الاالله

این آوازها برفراز گلدسته‌های خراسان، از حرم امن رضوی تا تمام مساجد این سامان خوانده می‌شده است. با چنین پشتوانه‌ای، مردمان هنرمند خراسان نیز به دور از کاربردهای نغمات نبوده‌اند و در هر زمان و لحظه یاد خدا و گفتگو با خدا را در نظر داشته‌اند. به این نمونه‌های آیَفت‌مند در دوبیتی‌های خراسانی بنگریم:

خدایا زور دستم را تو دادی
به جمشید جهان، جم را تو دادی
به بهرام خرین سینه کنده
خدایا، حُسن مریم را تو دادی

***

الهی یا الهی یا الهی
به جز از تو ندارم هیچ راهی
گناهانم چو کوهای عظیم است
به پیش لطف تو چو پرِّ کاهی

***

خداوندا تو ایمانی عطا کن
بهشت جاودان را جای ما کن
به فردای قیامت روز محشر
محمد(ص) را شفاعت‌خواه ما کن

گذشتگان ما مدام نیایش می‌کردند و مناجات به درگاه حق داشتند؛ برای اینکه انسان در حال وسعت و نعمت، منعم را فراموش نکند و به همین سبب نیایش و مناجات، ایجادکننده ارتباط با خدا و بریدن از ماسوی‌الله است. گذشتگان می‌گفتند که مناجات، شور و عشق لازم دارد و به هر کس توفیق این نیایش عطا نمی‌شود:

دامن خلوت، ز دست
کی دهد آن کس که یافت
در دل شب‌های تار
ذوق مناجات را؟!

پیامبران با همه بزرگی‌شان، هرگاه نیازی داشتند یا به سختی‌ای گرفتار می‌شدند، تنها مشکل‌گشایشان نیاش و مناجات بوده. نیایش‌های یونس(علیه السلام) در شکم ماهی، نیایش‌های ایوب(علیه السلام) به وقت بیماری، نیایش‌های موسی(علیه السلام) در خلوت طور، نیایش‌های ذکریا به وقت شکنجه و سختی، نیایش‌های عیسی(علیه السلام) به وقت درخواست نزول مائده‌های آسمانی برای حواریون، نیایش‌های آدم(علیه السلام) در مقام اعتراف به تقصیر و... همگی نشانگر قدرت گفتگو با خداوند است. اما آیا امروزه قدرت مناجات را به جوانان آموخته‌ایم؟

با مناجات دیگری از «رساله آداب آوازهای گلدسته» که آن را باید در شهناز- درآمد اجرا می‌کردند، مطلب خود را به پایان می‌برم و برای همه سعادت ارتباط‌جویی با خداوند را خواهانم، انشاءالله.

یا مَن بَدا جَمالِکَ فی کُلِّ ما بَدا
بادا هزار جان گرامی تو را فدا
من نام از جدایی تو، دم‌به‌دم، چو نِی
زان خوش‌ترم که از تو نِیَم، یک نفس جدا

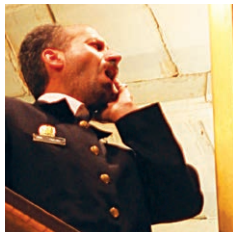

Archive of SID

www.SID.ir